

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد  
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم  
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

درویش وردک

۲۹ مارچ ۲۰۱۵

## فرخنده خودش به کام مرگ رفت یا فرستاده شد؟

هموطنان ما و تمام جهانیان از حادثه تکان دهنده کشتن فرخنده آگاهند. ما هم به نوبه خود این فاجعه و این جنایت و سایر جنایاتی را که تحت نام دین صورت گرفته، شدیداً نکوهش و محکوم می نمایم و با فامیل و بازماندگان فرخنده از صمیم قلب همدردی و همنوایی داریم و برایشان صبر و خویشی داری آرزو می نمایم، می خواهم بالای یک بخش تاریک این قضیه که شاید هم سرآغاز همچو حوادث در آینده باشد، روشنی بیندزم.

بعد از تجاوز روس ها به کشور ما دروازه های زندان های کشورهای شرق میانه، شکستانده شد و از جانی و خونی گرفته تا اخوان، سلفی و سایر افراد جنایتکار به صفوف مقاومت افغانستان داخل گردید، با وجودی که نیروهای ملی و دموکراتیک سخت علیه این اقدام بودند و تأکید می کردند که ما افغانستان ضرورت به نیروی انسانی در مبارزه آزادیخواهانه خود نداریم، افغانستان خود سربازان راه آزادی اند. ولی سیاست سیا و جنرال های پاکستانی همین بود که محیط مقاومت آزادیخواهانه ما را سلفی سازد. در پهلوی هزارها مدرسه دینی به نام مهد ها کورس های و هابی سازی سراسر محیط جهادی را دربر گرفت. تنظیم های دهشت افکن هم بستری برای سربازگیری باز کردند. عبدالله عزام، اسامه بن لادن، عبدالله انس و سایر تشنگان خون سردمداران مقاومت مقدس ما گردید و هزاران جوان ما را مسموم به فلسفه نفرت اخوانی و هابی ساختند.

همین ورود اعراب و موجودیت احزاب بنیادگرا که بر اساس نظریات ابن تیمه (قرن ۷ هجری) و اخلافتان چون محمد عبده، حسن البنا و سید قطب و مودودی و غیره استوار بودند بالای محیط فکری و اکادمیک افغانستان تسلط پیدا کردند. اینان بالای باورهای ۱۴۰۰ ساله افغانستان که با اساسات دین اسلام جوش خورده بود تاختمند و تمام باورها و مراسم ما را بدعت و خلاف دین اسلام خواندند. از تجلیل مولود شریف گرفته تا تحریم نوروز باستانی و سایر مراسم بومی افغانستان؟ حتی به این هم اکتفاء نکرده و حتی نام های خویش را که به نظرشان خلاف اسلام و شرکی بود، تغییر دادند!! عبدالنبی، عبدالاحمد، غلام محمد و غیره راهمه واجب الجهنم ساختند!

از حوادث ۳۵ ساله کشور ما همه آگاهی دارند و جانی برای تکرار وجود ندارد، خسارات مالی، جانی، فرهنگی و عقیدتی که در جنگهای قدرت خواهی این گروهها به کشور وارد گردید جبران ناپذیر است، بالاخره کشور ما را دودسته به خونخوارترین نظام استعمار تقدیم نموده خودشان هم زیر سایه ایشان از کله ها پشته هاساختند و به هیچ بدعت و خیانت توجه نکردند، مجاهد راه خدا را پیش امریکائی مزدور ساختند و مزدوری شان را نیز نداند.

ما با محکوم نمودن هرنوع خرافات و دین فروشی می خواهیم کمی به بخش عقیدتی این قضیه روشنی ببندازیم: فرخنده که فارغ شرعیات و قاری قرآن بود رفت تا جلو تعویذ نویسی را بگیرد، با ملای زیارت مشاجره می کند و بالاخره دست به پاره کردن اوراق تعویذات بزند، و خود را آماده قربانی بسازد؟

اگر موضوع را از نظر دینی و از موضع فرخنده بررسی نماییم؟ سوالاتی در ذهن خطور می کند که:

خوب کسانی که پیش تعویذ نویسی می روند از بیچارگی فکری و مادی! اولاً خرج داکتر و دوا در حکومت مافیائی برای هرکس مهیا نیست، ثانیاً اگر شخصی به تعویذ نویسی می رود از نظر فرخنده؟ خودش مشرک و بدعت کار محسوب شده و مستوجب دوزخ می گردد؟؟ و هم ملای مسجد؟ ولی اگر به بدعتها از نگاه اسلام و از زاویه فاکولته شرعیات نگاه شود بیایند بدعتهائی که کشور را به حمام خون مبدل ساخت و افتخارات هزارساله مارا به باد داده اند، نیز پردازیم: از نگاه دین اسلام (دیدگاه فرخنده) ساختن احزاب اسلامی، شرکت در انتخابات آزاد و رأی دهی آزاد بین مؤمن و فاسق، زن مرد مردود است و کفر است.

پس چرا فرخنده به یکی ازین مراکز نرفت و دروازه یک تنظیم بنیاد گرا را که مجاهد را مزدور امریکا ساخت، نکوفت؟ چرا به اتحادیه سلفی ها به نام جمعیت اصلاح نمی رود که مردم رابه نان خوردن و تشناب رفتن نیز تکفیر می کنند؟ چرا فرخنده به خانه یک شیخ الحدیث نرفت که تمام زمین های دولتی و شخصی مردم را قبضه کرده و نوامیس مردم را در خانه ایشان نیز به امن نمی گذارند؟ چرا فرخنده به جای بحث بایک مجاور زیارت که شاید تعداد معدودی رابه نظر فرخنده مشرک ساخته باشد؟ به مراکز پخش تروریزم مثل تنظیمهای سلفی نرفت؟ که به کدام قانون اسلام زیر بیرق کافر (یهود و نصری-به قول خودشان) به سر می برند؟ و در انتخابات شرم آور نیز شرکت می کنند. اینان که دعوای بازگشت جهان اسلام به صدر اسلام (سلف صالح) را دارند بالای تانک امریکائی می خواهند به سلف صالح برسند؟؟ اگر فرخنده فقید در انتخابات پوشالی ع و غ شرکت کرده باشد؟ آیا از نظر سلفی ها و اخوانی ها کافر نشده است؟ آخر در یک قضیه کوچک حقوقی-جزائی رأی یک مؤمن و یا فاسق یکی نیست؟

بلی هموطنان! فرخنده مظلوم توسط احزاب سلفی-داعشی چون: حزب التحریر، حزب سیاف، حزب حکومتیاری (حکمتیار)، بحران الدین (برهان الدین) به زیارت فرستاده شد تا جلو تعویذ را بگیرد؟ و اقامه معروف ونهی از منکر را انجام دهد درحالی که این وظیفه افرادی مثل فرخنده نیست بلکه نهادهای مشروع اینکار را باید کرد.

چندی قبل خانقاهی در ناحیه ۵ کابل مورد هجوم سلفی ها قرار گرفت و ملا بهادر جان را با چند تن دیگر را به قتل رسانیدند. دولت، حکومت، پارلمان و رسانه ها پراز مزدوران استعمار این موضوع را بسیار کم رنگ جلوه دادند و حتی تبلیغ کردند که این خانقاه محل جاسوسی روس هابود (همان اسلحه زنگ زده انگلیس). فعلاً در کابل و سایر نقاط کشور منازعات بین تعبیر بومی اسلام و نظریات سلفی گلبدینی-سیافی-ربانی وجود دارد. از گرفتن دست در نماز تاجنازه و اسقاط ودوره و خیرات و نوروز و غیره و همه روزه مردم شکایت دارند که ملای ما وهابی شده. در صورتی که مراجع دینی ما در طی ۳۰۰ سال گذشته دیوبند و الاز هر بودند که هر دو ساخته و بافته انگلیس است و همه سلفی نظر اند.

ما با محکوم نمودن قتل فرخنده، به تمام نیروهای آزادیخواه دموکراتیک هشدار می دهیم که به رقص و دهل امپریالیزم نرقصند، و اهداف سلفی ها را که در کشور ما ترویج می شوند حمایت نکنند. باید بیشتر تحقیق کنند که انگیزه رفتن فرخنده به زیارت چه بود؟ فرخنده رافرستاد تا هم دموکراسی را و هم فمینیزم را با خود برقصانند و همچنین کردند، به همان انگیزه که طالب خود را منفجر می سازد، نامبرده نیز به همان انگیزه و از طرف همان گروهکها به خودکشی فرستاده شد، که البته عکس العمل مردم اوباش که پلان شده نبود باعث مرگ وی گردید. فرخنده برای آزادی زنان به انتحار نرفت بلکه برای در سلطه در آوردن زنان برای داعش به زیارت رفت. در ابتداء که سلفی ها-اخوانی ها بی خبر نبودند که

فرخنده از جمله خودشان است؟ گفتند خوب است و باید کشته می شد. ملا نیازی و خانم حسن زاده نیز از این جمله بودند؟ ولی وقتی که خبر یافتند به دفاع برخاستند.

زیارت و تعویذ که به یک نوع با تعبیر بومی ما از اسلام (عرفان اسلام) بستگی دارد و یا چسبانده شده است، نه به خاطری که چند تن آنجا می روند مورد هجوم قرار گرفته، بلکه به مثابه حمله به تصوف و عرفان اسلام که یگانه بدیل اسلام افراطی است صورت گرفته. سلفی های داعشی در لیبیا، عراق و حتی بعضی از مناطق افغانستان نیز به قبور و خانقاهها حمله کرده و آنها را تخریب کرده اند، این جنگی است که آمدنی است، بدبختانه افغانها باز هم مجبور به دفاع شیطان و مزدوران ایشان است.

بالاحترام

درویش وردگ

#### یادداشت :

با تشکر از همکار عزیز ما آقای (درویش وردگ) که همکاری شان را با ارسال مطلبی کاملاً بکر و حتا مغایر با برداشتها و قرائت معمول از قضیه شهادت فرخنده ابراز داشته اند، باید بنویسم:

ما همان طوری که در ذیل مقاله ارسالی همکار عزیز ما آقای «امینی» معنون به «آیا فرخنده قربانی یک پروژۀ شد؟» - مؤرخ ۲۵ مارچ ۲۰۱۵» در ۸ بند مواضع پورتال را در قبال قضیه به صورت مشخص تذکار داده بودیم، جا دارد باز هم بیفزائیم:

از دید ما این که خانم فرخنده چگونه زیسته و با کدام احزاب و نیروها - خوب و یابد، مرتجع و یا انقلابی - اسلام سلفی اخوانی و یا اسلام سنتی - رابطه داشته است یک جانب قضیه است، جانب دیگر قضیه آن است که هیچ کس، مقام و حزبی حق ندارد تا در افغانستان خود را دست انتقام و عامل اجرائی خدا فرض نموده، با قساوت و درنده خوئی که هیچ مناسبت و ارتباطی با فرهنگ مردم ما در درازنای تاریخ نداشته و ندارد، دست به چنان عملی بزنند.

به عبارت دیگر، در حالی که دفاع از چگونه زیستن خانم فرخنده را می گذاریم به آنانی که با وی هم عقیده و هم نظر بودند، ما چگونگی مرگ مظلومانه اش را خلاف تمام موازین انسانی و اخلاقی دانسته، به شدت آن را محکوم می داریم.

اداره پورتال AA-AA